



قواعد و فواید تسعیر اختیاری در بازار اسلامی با انطباق بر فقه المکاسب

روح الله آهنگران^۱

چکیده

تسعیر در فقه، قیمت‌گذاری حاکم یا نماینده او و اجبار بر معامله، بر اساس آن قیمت است. در شرایط خاص مانند تحقق گران‌فروشی یا احتکار کالا که باعث عسر و حرج در معیشت مردم و ورود ظلم و اجحاف به آنها می‌گردد، برخی قائل به جواز تسعیر گردیده‌اند. در این موارد کالاهایی را می‌توان تسعیر نمود که مورد نیاز جامعه باشد و کمبود یا گرانی آنها موجب سختی در زندگی مردم گردد. با این حال در شرایط عادی و بر اساس مفاد قاعده سلطنت هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. همچنین براساس مفاد قاعده لاضرر، تسعیر اجباری از جانب حاکم می‌تواند زمینه‌ساز مفسده‌های دیگری باشد، زیرا فروشندگان و عرضه‌کنندگان کالا چنانچه مجبور به پذیرفتن قیمت از سوی حاکم شوند و فروش کالای خود را به قیمت آزاد و مختارانه ن فروشند؛ موجب می‌گردد از عرضه کالا امتناع ورزند که این کار نه تنها باعث تحمیل ضرر مضاعف بر مردم خواهد شد بلکه تولید و عرضه را نیز با مشکل مواجه خواهد کرد. لذا در شرایط عادی و در مواردی که با احتکار و گران‌فروشی مواجه نیستیم با استناد به قواعد فقهی حاکم بر تسعیر اختیاری همانند «تسلیط» و «لاضرر» مشروعیت فقهی تسعیر اختیاری ثابت می‌گردد. در این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی سعی در بررسی قواعد و فواید تسعیر اختیاری در بازار اسلامی با انطباق بر فقه المکاسب خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: تسعیر، قیمت‌گذاری، بازار اسلامی، قواعد فقهی، اقتصاد، رقابت، لاضرر

۱- دانش‌آموخته و پژوهشگر حوزوی، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،

از مراتب مهم برای پیشرفت انسان در جامعه اسلامی، حیات اقتصادی آن اجتماع می باشد. اقتصاد به عنوان رکن مهم برای استغناء جامعه و استمرار زندگانی بشر در نظرگاه اسلام همیشه مورد تأکید واقع شده است. اما آنچه که باعث جدایی دیدگاه اسلام با سایر مکاتب مانند سرمایه داری و سوسیالیستی در نگاه به مسائل اقتصادی گردیده آن است که مقوله اقتصاد را در امتداد سعادت و تکامل انسان می داند و بعنوان هدف معرفی نمی کند؛ بلکه وسیله و تدبیری برای زندگانی اجتماعی در جامعه اسلامی قلمداد کرده است. از همین رو چارچوب اقتصاد در اسلام با الگوی اقتصادی برگرفته شده از سرمایه داری متمایز می گردد. (کوچک زاده، ۱۳۹۵: ۴۳) بر اساس اصول فکری و مبانی مختص به مکاتب گوناگون اقتصادی، هر کدام از زاویه خود به مقوله تعریف «آزادی اقتصادی» پرداختند. به طور مثال در نظام اقتصادی سرمایه داری اینگونه تعریف درباره آزادی اقتصادی اذعان شده است: «آزادی اقتصادی، مشتمل است بر آزادی مشاغل، آزادی رقابت، آزادی تجارت داخلی و خارجی، آزادی بانکها، آزادی نرخ و قیمت گذاری و غیره و به عنوان برنامه قطعی و همیشگی عبارت است از مقاومت در برابر هرنوع مداخله دولت که ضرورت خاص آن به ثبوت نرسیده باشد، به ویژه استقامت در برابر سیاست به اصطلاح حمایت و سرپرستی دولت» (ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۵۷۱/۱-۵۷۲) اما در اسلام مخالفت با آزادی اقتصادی ندارد ولی با این مفهوم ارائه شده از سوی نظام اقتصادی سرمایه داری نیز موافق نبوده بلکه به افراد آزادی عمل در انجام فعالیت های اقتصادی در حدود مجاز شرعی اعطا کرده و هدف اصلی از این آزادی اقتصادی را دستیابی به اصل عدالت و توازن بین طبقات اجتماعی معرفی نموده است. (فیاض کابلی، ۱۴۲۶: ۵۶)

به طور کلی، قلمروی اقتصاد اسلامی در چند وجه قابل تصور است که عبارتند از: تأمین نمودن زمینه های تولید و عرضه کالا بر اساس نیازهای جامعه مبتنی بر باید و نبایدهای شریعت (صدر، ۱۴۱۷: ۴۱۳)، کسب درآمد مشروع و رعایت آداب تجارت (سبزواری، ۱۴۲۳: ۴۱۷/۱-۴۱۹)، جلوگیری از رانت، حبس و انحصار مال و منابع (عاملی حسینی، ۱۴۱۹: ۶۲۷/۲۰)، اشتغال زایی و رونق فعالیت می باشد. یکی از مباحثی که با وجوه مختلف مذکور به صورت مستقیم در ارتباط است و از موضوعات دارای اهمیت در اقتصاد و بازار اسلامی محسوب می گردد، چگونگی تعیین نرخ و قیمت مال، محصول و خدمات است که در فقه اسلامی به آن «تسعیر» می گویند. (عبدالرحمان، بی تا: ۴۵۴/۱) با تتبع در تاریخ اسلام و روایات اسلامی، در می یابیم که در صدر اسلام نیز تسعیر در نظام اقتصادی مطرح بوده و به عنوان قوام در زندگانی و معیشت مردم نقش بسزایی داشته است. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲۳) از آنجا که قالب پیشنهادی اسلام برای مسلمانان در فعالیتهای اقتصادی بر پایه رضایت طرفین معامله است (نساء: ۲۹) و خدای متعال آن دسته از مبادلات و تجارت بر مبنای رضایت را صحیح و مقبول می داند که در مدار شرع محقق گردد. (حلی سبزواری، ۱۴۲۵: ۳۴/۲). نقش رضایت در بازار کسب و کار نیز قابل اهمیت بوده و می توان قاعده تسعیر اختیاری را بر همین اساس پی ریزی کرد. بنابر دیدگاه فقه اسلامی، تصمیم گیری در فعالیتهای حوزه اقتصادی به ویژه در حوزه قیمت گذاری به مردم سپرده شده و نقش حاکمیت را به عنوان تصمیم گیرنده اصلی تحدید نموده است.

۲- بیان مسأله

یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی که مرتبط با موضوع نظام اقتصادی است، مسئله تسعیر و قیمت گذاری می باشد. معین سازی نرخ برای کالا و خدمات در بازار را در فقه «تسعیر» می گویند. (سعدی، ۱۴۰۸: ۱۷۲) قیمت گذاری در بازار اسلامی بر دو جنبه متصور است که وضعیت نخست آن، در حالت طبیعی و شرایط متداول و دیگر حالت آن در شرایط احتکار، انحصار و تبانی می باشد. در حالت نخست، فروشنده کالا این اختیار را دارد که به هر قیمتی که بخواهد کالای خود را عرضه نماید. ادله جواز چنین امری می توان به مقتضای قواعد عام مانند آیه تجارت، روایات «الناس مسطون علی اموالهم» و روایت «لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیب من نفسه» استناد جست و افزون بر آن روایات خاصی که در این زمینه وارد شده است. با توجه به قواعد عام و روایات خاص در مسأله تسعیر می توان قائل به تسعیر اختیاری شد. همچنین در حالت دوم که وابسته به پیشامد عارضی آن مانند احتکار، انحصار و تبانی در بازار اسلامی می باشد؛ نرخ گذاری کالا در چنین شرایطی مبتنی بر دو نظریه از سوی فقها مطرح می باشد. برخی قائل به مطلق قیمت گذاری از سوی حاکم ثابت دانسته اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۱۶) بدین منظور که در شرایطی مانند احتکار، فروشنده کالا را به نرخ ناعادلانه یا قیمت مناسب عرضه کند در هر دو صورت، تسعیر برای حاکم ثابت است. اما بنابر دیدگاه برخی دیگر از فقها، آنچه که بر حاکم لزوم آور است؛ اجبار محترک بر عرضه کالا می باشد ولی نمی تواند نرخ گذاری بر آن کالا داشته باشد حتی چنانچه فروشنده کالا، قیمت عادلانه ای را بر کالای خود مقرر نکند. (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۴) لازم به ذکر است که در میان فقها، فرآیند عدم جواز تسعیر از سوی حاکم در حالت طبیعی بازار اختلافی نیست و مرحوم شیخ طوسی بر آن ادعای نفی خلاف مطرح می نماید. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۵/۲). همچنین در زمان وقوع شرایط خاص بازار (احتکار- انحصار- تبانی)، بر مبنای قواعد شرعی، حاکم جواز خواهد داشت که محترک را وادار سازد تا کالاهای احتکاری را عرضه نماید و میان فقها در این مسأله اتفاق نظر است. (حلی، ۱۴۰۷: ۳۷۰/۲) اما در اینکه علاوه بر وادار ساختن عرضه ی کالا از سوی حاکم، این جواز را خواهد داشت تا

به صورت مستقیم بر کالای بازار قیمت گذاری نماید مورد اختلاف است که پنج دیدگاه را شامل می‌گردد. برخی به طور مطلق قائل به تسعیر از سوی حاکم هستند. (مفید، ۱۴۱۳: ۶۱۶) برخی دیگر به طور مطلق قائل به عدم تسعیر از سوی حاکم بوده (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۴) و شماری دیگر قائل به جواز قیمت گذاری در صورت اجحاف از سوی فروشنده (حلی، ۱۴۱۳: ۴۱/۵) و برخی نیز قائل به اجبار محکر بر کاهش قیمت (سزواری، ۱۴۱۳: ۳۴/۱۶) و دیدگاه آخر نیز قائل به اجبار محکر بر کاهش قیمت و تسعیر از سوی حاکم در صورت امتناع فروشنده می‌باشد. (خمینی، ۱۴۲۱: ۶۱۲/۳)

باید اشاره کرد؛ بسیاری از فقها اعم از شیعه و سنی اعتقاد دارند که اصل حاکم بر روابط مبادله‌ای در بازار این است که ابتداً حاکم اختیار قیمت‌گذاری ندارد و در این زمینه‌ی به قاعده تسلیط تمسک جست‌اند. (خمینی، ۱۴۲۱: ۶۱۲/۳) طبق این قاعده، صاحب کالا تسلط بر مال خود داشته و به هر نحو که بخواهد می‌تواند در آن دخل و تصرف کند؛ و لذا تعیین قیمت بر کالا توسط دولت با این تسلط بر مال توسط صاحب مال در تضاد بوده و جایز نیست. فقیهان این روایت را برای اثبات عدم جواز تصرف در مال بیان کرده و با آن آزادی افراد نسبت به اموال خود را اثبات می‌کنند. لذا از آنجایی که تعیین قیمت بر کالای مالک با این آزادی عمل منافات دارد، براساس این قاعده تعیین قیمت ممنوع خواهد بود. (موسویان و بهاری ۱۳۸۹). حال چنانچه تسعیر به صورت اختیار برای فروشنده قائل باشیم چه قواعدی را می‌توان بر اثبات تسعیر اختیاری استناد جست و فواید این نوع تسعیر چه آثاری را می‌تواند در بازار اسلامی مترتب نماید؟ از این رو با توجه به اهمیتی که اقتصاد در زندگی انسان‌ها دارد و ساختار اقتصادی کشور براساس احکام اسلامی است، هدف از این تحقیق بررسی قواعد فقهی حاکم بر اثبات در تسعیر اختیاری، سپس به بررسی فواید تسعیر اختیاری پرداخته خواهد شد. روش پژوهش در این تحقیق از لحاظ روش، تحلیلی - توصیفی بوده و برای گردآوری اطلاعات از روش فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳- پیشینه تحقیق

موضوع تسعیر و قیمت گذاری در فقه اسلامی، در کتاب‌های تجارت، بیع و مکاسب مطرح شده است و فقیهان امامیه به طور معمول در باب احتکار از آن سخن گشوده‌اند. معهدا در دوران معاصر نیز به این مقوله پرداخته شده و کتاب‌ها و مقالاتی به صورت مستقل در این خصوص نگارش گردیده که بدان‌ها اشاره می‌شود.

محمدصادق فاضل، حسن خدابخشی و اصغر عربیان (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان حکم فقهی قیمت‌گذاری در بازار اسلامی بیان می‌کنند که یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی، جواز و عدم جواز تعیین قیمت کالاها و خدمات در بازار است و از دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت، حاکم اسلامی در شرایط طبیعی بازار، حق قیمت‌گذاری ندارد؛ اما در شرایط خاص اقتصادی از قبیل احتکار، تبانی و انحصار، بین فقیهان امامیه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. پس از جست‌وجو در کتب فقهی می‌توان شش قول در مسئله یافت که تمامی آن‌ها بر اساس قواعد عمومی و روایات اختصاصی باب تسعیر به دست می‌آید؛ اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که حفظ شرایط طبیعی بازار از چه طریقی ممکن است؟ آیا قیمت‌گذاری حاکم یکی از شیوه‌های نظارت بر بازار و در نتیجه، حفظ شرایط طبیعی بازار نیست؟ همچنین، برخی از فقیهان اهل سنت معتقدند که فلسفه جواز قیمت‌گذاری این است که بازار به حالت تعدیل درآید و این امر در تمامی کالاها مورد نیاز مردم صدق می‌کند. این ابهامات، بررسی مجدد مسئله قیمت‌گذاری حاکم در بازار اسلامی را لازم می‌کند. در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که با استناد به بنای عقلا و تأیید آن براساس برخی قواعد عمومی؛ یعنی قاعده حفظ نظام، قاعده تعاون، قاعده امین و قاعده احسان، حاکم، در شرایط طبیعی بازار نیز می‌تواند برای نظارت و کنترل بیشتر بر روی بازار، بر روی کالاها و خدمات ارائه شده از طرف مردم نیز قیمت تعیین کند.

مسعود راعی و محمد مولاییان (۱۳۹۳) در تحقیق عنوان رویکرد فقه امامیه به عدالت معاوضی و تأثیر آن بر عقود الحاقی بیان کردند عدالت معاوضی، به معنای حاکمیت اراده، منع مداخله دولت در قراردادهای خصوصی و عادلانه دانستن مفاد هر نوع توافق است. طرفین قرارداد، بهترین قاضی منافع خویش بوده و تصمیمات آن‌ها قانونی و لازم‌الاجرا است. عدالت معاوضی با این عنوان سابقه‌ای در فقه امامیه ندارد، هرچند فقها، اراده متعاقدين را به‌عنوان مبنای اصلی تعهدات در محدوده فقه‌العقود با شروطی پذیرفته‌اند. با بررسی آثار فقها در نگاه اول مبتنی بر ادله‌ای همچون قواعد تسلیط، شروط، صحت و منع تسعیر، این دیدگاه تقویت می‌شود که فقه امامیه به پذیرش عدالت معاوضی متمایل است؛ اما با دقت در ادله و ملاحظه منابعی همچون قاعده لاضرر، منع معاملات ربوی، اصل توازن و کفالت عمومی نتیجه دیگری به دست می‌آید که در نتیجه آن بسیاری از قراردادهای الحاقی در فرض انحصار و اضطرار که حاوی شروط گراف و ناعادلانه‌اند از منظر فقه امامیه فاقد نفوذ حقوقی هستند.

سیدعباس موسویان و حسن بهاری قراملکی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه بیان کرده‌اند یکی از مباحث مهم در اقتصاد، کیفیت تعیین قیمت‌ها در بازار است که آثار متعددی بر سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید، عرضه کل و سطح عمومی قیمت‌ها برجای می‌گذارد. برخی با توجه به آثار کوتاه‌مدت قیمت‌گذاری توسط دولت به آن گرایش دارند؛ اما بیشتر اندیشمندان اسلامی، به ویژه فقیهان، با توجه به ادله شرعی و آثار تعیین دستوری قیمت‌ها، آن را ممنوع می‌دانند.

در انتهای این بخش و در زمینه‌ی نوآوری پژوهش باید بیان داشت که با توجه به شرایط حاکم بر اعصار گذشته، در تحقیقات پیشین در اکثر موارد در باب احتکار از تسعیر سخن به میان آمده است؛ ولی باید دانست که تسعیر تنها مختص به احتکار نیست؛ بلکه در هر موردی که قیمت کالا منجر به ورود ضرر و اجحاف به مردم شود، حکم تسعیر جاری می‌گردد. با توجه به این موضوع در این مقاله با بهره‌گیری از فقه المکاسب، سعی بر این است که با تنقیح مناط ادله مربوط به تسعیر را به تمامی موارد ضرر و اجحاف به مردم سرایت دهیم و از این منظر این پژوهش دارای نوآوری است. همچنین در اکثر پژوهش‌های انجام شده با اطلاق ادله لاضرر و لاجرح و ادله منع ظلم و ولایت حاکم سعی در برشمردن منافع تسعیر اجباری گردیده است ولی در این پژوهش با استناد به دو قاعده لاضرر و تسلیط سعی در بررسی منافع تسعیر اختیاری خواهیم داشت.

۴- تعاریف و مفاهیم

۴-۱- تسعیر

اسعار جمع سِعر به معنای آن چیزی است که ثمن با آن قوام پیدا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۳۹/۱)؛ بنابراین، سِعر؛ یعنی ارزش و آن مقدار عوضی که متاع را بدان می‌فروشند. به دیگر سخن؛ بر پایه آن، عوض جنس خریداری شده (ثمن) تعیین می‌شود؛ بنابراین، سِعر خود عوض نیست، بلکه مقدار آن است؛ و تسعیر به معنای قیمت‌گذاری و تعیین نرخ می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۶۵/۴). بنابراین تسعیر یعنی قراردادن نرخ مشخص تا در نهایت به دست خریدار بیاید؛ در واقع تعیین یک قیمت خاصی که از آن فراتر نرود و کالا به آن قیمت بستگی داشته باشد. (حماد، ۲۰۰۸: ۱۳۶). واژه سِعر؛ گاهی متصرف به رُخص و گاهی متصرف به غلاء می‌شود. رُخص به معنای ارزانی است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۸۵)؛ و در اصطلاح به معنای افت قیمت و بهای یک کالا از حد متعارف خود در زمان و مکانی که نباید این اتفاق می‌افتاد و فروش آن به نرخ کمتر از نرخ اصلی، می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵: ۱۵۶). تسعیر از نظر لغوی از واژه سِعر به معنای قیمت و نرخ جدا شده و به معنای تعیین نرخ است (جوهری، ۱۳۷۶: ۶۸۵/۲). سِعر در لغت به معنای تعیین نرخ و توافق کردن بر یک قیمت است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۲/۲).

تسعیّر، اصطلاحی در فقه اسلامی به معنای معین کردن نرخ بر کالا و الزام فروشنده به رعایت آن. بدیهی است که این تعیین نرخ باید از سوی کسی انجام گیرد که دارای اختیارات حکومتی است. تسعیر در فقه، قیمت‌گذاری حاکم یا نماینده او و اجبار بر معامله، بر اساس آن قیمت است (مجیلدی، ۱۹۷۰: ۴۱/۱). در تعریف دیگر درباره تسعیر اذعان شده است: تعیین قیمت کالا توسط حکومت و مجبور کردن مردم به رعایت آن در خرید و فروش را تسعیر می‌گویند. (جلالی زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۵) بنابراین آنچه که از تسعیر (اجباری) منظور می‌شود این است که ولی امر (حاکم) قیمت کالا را بر اساس نیاز جامعه را اعم از عین کالا یا منافع تعیین می‌کند و کارفرمایان خود را وادار می‌کند تا آنها را با قیمت مشخص بفروشند. (حماد، ۲۰۰۸: ۱۳۶)

معهدا تسعیر در دو مقام اجبار از سوی حاکم و اختیار نرخ‌گذاری از سوی فروشنده تقسیم می‌گردد. تسعیر اجبار از سوی حاکم یعنی «ذلک بأن تأمر الدولة أهل السوق أن لا یبیعوا بضاعتهم إلا بسعر کذا، لمصلحة تراها. فیمنعوا من الزبادة علیه، أو النقصان» (سعدی، ۱۴۰۸: ۱۷۲) این امر به این دلیل است که دولت به مردم و بازار دستور می‌دهد کالاهای خود را به جز قیمت مورد نظر حاکمیت به فلان قیمت نفروشند و از افزایش قیمت یا کاهش آن مانع می‌گردند. اما در تسعیر اختیاری، نرخ‌گذاری بر عهده خود فروشنده و مالک خواهد بود و حاکمیت حق نرخ‌گذاری نخواهد داشت. در واقع امکان تسعیر علاوه بر حاکم برای فروشنده مسلمین نیز هست. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۴/۸)

۴-۲- بازار اسلامی

واژه «بازار» در زبان عربی به واژه‌ی «سوق» معرفی شده (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۳) و به محلی می‌گویند که در آن به تجارت پرداخته و با حضورشان در آن مکان به داد و ستد می‌پردازند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۸/۱۰) در زبان کهن فارسی به صورت «واچار» و در فارسی میانه به صورت «وازار» بیان شده است. در بازار معروف است که در آن‌جا هر گونه متاع بفروش می‌رود و گاهی کوچه‌های درازی ترتیب داده که در دو طرف آن دکان می‌سازند و به امر خرید و فروش می‌پردازند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳۵۲/۳)

برای بازار تعاریف گوناگونی مطرح شده است. برخی آن را به مثابه مکانی قلمداد کردند که فروشندگان و خریداران یکدیگر را ملاقات کرده و اقدام به مبادله و معاوضه می‌کنند. ممکن است این تماس به صورت رو در رو انجام پذیرد که در این وجه برای بازار می‌بایست ناحیه‌ای محدود و معین قائل شد و یا آن‌که به صورت تلفن و تلگراف و دیگر وسایل ارتباطی واقع شود که در این حالت، بازار جنبه جهانی پیدا می‌کند. (فرهنگ، ۱۳۶۳: ۷۳۳) همچنین برخی دیگر بازار را از زاویه‌ای اقتصادی نگریستند و آن را منوط به شرایطی دانسته و مطرح می‌سازند که برای کالا و یا عامل تولید، تقاضا و عرضه وجود داشته باشد و کالا و یا عامل خاص در یک قیمت متناسب با عرضه و تقاضا مبادله شود. (طیبیان، ۱۳۸۸: ۱۵۰) شماری دیگر نیز بازار را محل تلاقی نیروها بر شمرده که با رعایت شرایطی میان خریدار و فروشنده موجب می‌گردد که تصمیمی اتخاذ نمایند که منتج به انتقال کالا و خدمات

گردد. (اربابی، ۱۳۶۹: ۴۶) می‌توان برای هر بازاری چند رکن حیاتی برشمارد که شامل اهداف فعالیت اقتصادی در آن بازار، مکان بازار، اصناف بازار، تبلیغات، قیمت و ارزش کالا در بازار از جمله شاخص های مهم آن محسوب گردد. (اکرمی، ۱۳۷۵) ضرورت برپایی بازار اسلامی علاوه بر آیات و روایات خاص در قواعد فقهی همچون «سوق المسلمین» (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۴۳)، «نفی السبیل» (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۴۹/۱) و قاعده‌ی «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۳۷) مشهود است.

۴-۳- فقه المکاسب

دانش و ادراک و مطلق فهم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۱۳)، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۶۳/۵)، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۲/۴)؛ درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق (عبدالنصر، ۱۴۱۰: ۹/۱)؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال (شهابی، ۱۳۷۵: ۳۰/۱)؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲) از جمله مفاهیم لغوی است که برای «فقه» به کار رفته و به استنباط احکام شرع کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف خداوند متعال برای بشر وضع گردیده است. بنابراین علم و آگاهی یافتن به احکام شرعی از راه اثبات کننده و دانستن آن احکام شریعت از مجرای استدلال و برهان را «علم فقه» می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۷۹/۲) مع الوصف علم فقه علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند.

«مکاسب» جمع مکسب و «مکسب» مصدر میمی به معنای «ما یطلب به المال» می‌باشد؛ یعنی آن چیزی که به وسیله آن، مال طلب می‌شود و مال از آن به دست می‌آید. (تبریزی، ۱۴۱۶: ۵/۱) همچنین به فرآیند عملی و انجام دادن کاری که موجب گردد که بر انسان سود مالی رسد یا موجب دفع ضرر مالی گردد را کسب می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۲) البته هر چند برخی واژه «مکاسب» را این گونه معنا نموده‌اند، لیکن ظاهر آن است که کسب به معنای طلب و سعی در طلب رزق، و معنای اصلی آن، جمع کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۳) چنانچه در قرآن کریم نیز دو نوع کسب را به بشیریت معرفی می‌نماید که نخست آن کسب طیب که همان رزق است (بقره: ۲۶۷ و ۲۸۶) و دیگری کسب همراه با گناه (نساء: ۱۱۲). بنابراین فقه المکاسب تبیین کننده قوانینی جامع زندگی در داد و ستد بندگان است که منشأ این قانون، الهی بوده که از طرف خداوند متعال برای زندگانی بشر آشکار گردیده تا موجب تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان شود.

۵- دیدگاه فقها در تسعیر اختیاری

نگرش فقها نسبت به تسعیر اختیاری یکسان نیست و برخی از آنان به صورت مطلق جایز دانسته (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸: ۲۸۸/۸) و برخی دیگر به غیر از موارد عارضی مانند احتکار و تبانی مجاز می‌دانند. به گونه ای که در وقت پیشامد عارضی در بازار اسلامی فقط حاکم ملزم به اجبار فروشنده بر فروش کالا خواهد بود اما قیمت گذاری نیز همچنان بر دوش فروشنده می‌باشد. (حلی، ۱۴۲۰: ۲۵۵/۲) چنانچه شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۵/۲) و ابن حمزه در الوسیله (ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۲۶۰) و ابن ادریس در سرائر (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۲) این دیدگاه را اختیار کرده اند. براساس برخی از نصوص روایی چنین استدلال شده است که در شرایط طبیعی بازار اسلامی، از اختیارات فروشنده و مالک است که تعیین قیمت کند و مقام تسعیر برای او خواهد بود. مقصود از شرایط طبیعی بازار، حالات کلی اقتصادی حاکم بر بازار است که دچار نوسان قیمت و یا کاهش کالا و میزان عرضه و تقاضا دچار مشکل نباشد و عوامل غیر طبیعی مانند احتکار، انحصار یا تبانی در بازار دخالتی نداشته باشد. برای این فرضیه به روایاتی استناد شده است که به آن پرداخته خواهد شد.

نخستین روایت، از امام باقر (ع) که از جدّ گرامیشان پیامبر اسلام (ص) نقل می‌فرماید: «به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: ای کاش برای ما نرخ گذاری می‌کردی؛ زیرا نرخ‌ها کم و زیاد است! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من این گونه نیستم در حالی که با خدا دیدار می‌کنم بدعتی گذاشته باشم. در این باره به من اجازه‌ای داده نشده است. بندگان خدا را رها کنید تا از یکدیگر روزی خورند.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲۶۸/۳) مطابق این روایت، مشخص می‌گردد که اصل اولی در تسعیر، بر اختیار فروشنده و مالک می‌باشد و بازار اسلامی حق قیمت گذاری بر اجناس را خواهد داشت. چراکه پیامبر اسلام (ص) به عنوان حاکم جامعه اسلامی، اجازه قیمت گذاری را برای خود قائل نبوده و ممانعت آن را از سوی خدای متعال و همدیگر با بدعت معرفی می‌نماید. روایت دیگری نیز در موضوع تسعیر اختیاری مطرح شده است که آن صحیح سلمه حنط می‌باشد که کسب او از فروش گندم بود و از امام صادق (ع) نقل می‌فرماید: «هر گاه در شهر، کالایی بیش از آنچه که یک نفر از مردم می‌خرد موجود باشد (به گونه‌ای که همه مردم بتوانند آن کالا را تهیه نمایند)، بر او رواست که با متاع خود زیادتی را طلب کند؛ چون اگر کالا به مقداری باشد که به همه مردم برسد، قیمت آن کالا به جهت کار این فروشنده، گران نمی‌شود؛ بلکه قیمت در صورتی در بازار افزایش می‌یابد که یک نفر هرآنچه که وارد شهر می‌شود را خریداری نماید» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۸۹) شاخصی که امام معصوم

برای تسعیر اختیاری مطابق این روایت معین می فرماید آن است که دسترسی به کالا توسط آحاد مردم و توان تهیه آن فراهم باشد.

روایت دیگر نیز صحیح حلی می باشد که از امام صادق(ع) نقل می فرماید: درباره کسی که کالا را ذخیره کرده و منتظر می ماند (تا آن را به قیمت بالایی بفروشد) سؤال کردم که آیا چنین کاری جایز است یا نه؟ حضرت فرمودند: اگر کالا در بازار زیاد باشد، به گونه ای که مردم به راحتی توانایی خرید آن را داشته باشند، اشکالی ندارد؛ اما اگر کالا در بازار نایاب بوده و مردم به آسانی قدرت تهیه آن را نداشته باشند، در این صورت جایز نیست صاحب کالا آن را احتکار کرده و مردم را در حالی که کالا در بازار موجود نیست رها کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۵/۵) در این روایت نیز دو حالت تسعیر (اختیاری- اجباری) را متصور است که در وقت فراوانی و کثرت کالا می تواند با قیمت دلخواه خود عرضه نماید اما اگر آن کالا در وقت نایاب باشد این جایگاه تسعیر اختیاری از فروشنده سلب خواهد گردید و می بایست کالا را عرضه نماید.

بنابراین روایت مشخص می گردد که اصل بر تسعیر اختیاری می باشد و تسعیر اجباری نیز مرتبه بعد از تسعیر اختیاری قرار می گیرد. لذا ابن ادریس حلی در خصوص شک در مقام قیمت گذاری حاکم اذعان دارد: «با توجه به روایات و اجماع، موضوع تسعیر حکم شرعی است و ثبوت آن نیازمند به دلیل شرعی است و اگر شک کنیم حاکم اختیار در تسعیر و قیمت گذاری دارد و بر وجود دلیل شرعی شک نماییم چنین تکلیفی بر حاکم ثابت نمی شود و محتاج به دلیل شرعی خواهد بود و در این شک، اصل برائت جاری خواهد شد. (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۲). همچنین اگر چنانچه پیشامد عارضی مانند احتکار، انحصار و تبانی در بازار اسلامی پدید آید؛ از سوی فقها برای نرخ گذاری کالا در چنین شرایطی مبتنی بر دو نظریه است. برخی قائل به مطلق قیمت گذاری از سوی حاکم ثابت دانسته اند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۱۶) بدین منظور که در شرایطی مانند احتکار، فروشنده کالا را به نرخ ناعادلانه یا قیمت مناسب عرضه کند در هر دو صورت، تسعیر برای حاکم ثابت است. اما بنابر دیدگاه برخی دیگر از فقها، آنچه که بر حاکم لزوم آور است؛ اجبار محتکر بر عرضه ی کالا می باشد ولی نمی تواند نرخ گذاری بر آن کالا داشته باشد حتی چنانچه فروشنده ی کالا، قیمت عادلانه ای را بر کالای خود مقرر نکند. (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۴) لازم به ذکر است که در میان فقها، فرآیند عدم جواز تسعیر از سوی حاکم در حالت طبیعی بازار اختلافی نیست و مرحوم شیخ طوسی بر آن ادعای نفی خلاف مطرح می نماید. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۵/۲). همچنین در زمان وقوع شرایط خاص بازار (احتکار- انحصار- تبانی)، بر مبنای قواعد شرعی، حاکم جواز خواهد داشت که محتکر را وادار سازد تا کالاهای احتکاری را عرضه نماید و میان فقها در این مسأله اتفاق نظر است. (حلی، ۱۴۰۷: ۳۷۰/۲) اما در اینکه علاوه بر وادار ساختن عرضه ی کالا از سوی حاکم، این جواز را خواهد داشت تا به صورت مستقیم بر کالای بازار قیمت گذاری نماید مورد اختلاف است که پنج دیدگاه را شامل می گردد. برخی به طور مطلق قائل به تسعیر از سوی حاکم هستند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۱۶) برخی دیگر به طور مطلق قائل به عدم تسعیر از سوی حاکم بوده (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۴) و شماری دیگر قائل به جواز قیمت گذاری در صورت اجحاف از سوی فروشنده (حلی، ۱۴۱۳: ۴۱/۵) و برخی نیز قائل به اجبار محتکر بر کاهش قیمت (سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۴/۱۶) و دیدگاه آخر نیز قائل به اجبار محتکر بر کاهش قیمت و تسعیر از سوی حاکم در صورت امتناع فروشنده می باشد. (خمینی، ۱۴۲۱: ۱۲۲/۳)

۶- قواعد فقهی حاکم بر تسعیر اختیاری

با توجه به قوانین و چهارچوب فعالیت اقتصادی اسلامی، می توان دریافت که تسعیر اختیاری نقش بسزایی در نظام اقتصادی و بازار اسلامی خواهد داشت. لذا از بایستگی های لازم برای بهره گیری در تسعیر اختیاری، شناخت قواعد و تشریح شیوه های مستدل در موضوع حائز اهمیت می باشد. برای اجرای فرآیند تسعیر، قواعدی حاکم خواهد شد که چهارچوب تسعیر اختیاری نمایان می گردد. اگرچه شیوه ی بهره گیری از قواعد در تسعیر اجباری از سوی حاکم با تسعیر اختیاری متفاوت می باشد اما بر اساس قواعد عمومی فقهی و روایات اختصاصی؛ می توان قائل به جواز تسعیر اختیاری شد. قواعد نقش گلوگاه هایی را ایفا می کنند که فرایندهای استنباط فقهی با بهره گیری از آنها، به تعیین مسیر خود در فضاهای جدید می پردازند. قواعد فقهی به آن قواعدی می گویند که در راه دستیابی به احکام شرعی الهی واقع می شوند؛ ولی این استفاده از جهت استنباط و واسطه نیست بلکه از باب تطبیق می باشد. (خویی، ۱۴۱۳: ۹/۱) ادله تسعیر اختیاری بر اساس قواعد فقهی عبارتند از:

۶-۱- قاعده تسلیط (سلطنت)

یکی از قواعد مهم و ثابت شده فقهی، قاعده ی «تسلیط» یا «تسلط» می باشد که در نزد فقها به قاعده سلطنت تعبیر می گردد. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۷/۱) مفاد قاعده این است که هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. (میرزای قمی، ۱۴۲۷: ۹۹۶/۲) به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن که به

موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد. مبنای این قاعده بر اساس حدیث نبوی مشهور «إِنَّ النَّاسَ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۲/۲) بوده و هرگونه سلطنت مردم بر اموال خود را تبیین می نماید. اگرچه سند این حدیث مرسل می باشد اما فقها مفاد آن را پذیرفته و بر آن استدلال نموده اند. (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۳۶). در اثبات این قاعده به عموم آیاتی همچون: (۲۹)، (۲) و (۴) سوره نساء، و آیات (۱۸۸) و (۲۷۹) بقره و روایات و اجماع و عقل استناد گردیده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۱/۲-۳۰). همچنین ماده ۳۰ قانون مدنی نیز از این قاعده پیروی می نماید.

با توجه به مفهوم تراضی در آیه تجارت (نساء: ۲۹) و همچنین روایت «لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیبه من نفسه» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۰)، تصرف در مال دیگران بر اساس رضایت مندی آن‌ها جایز شمرده شده است. اگر این رضایت از طرف فروشنده و مالک محقق نگردد، مال آنان بر دیگران حلال محسوب نخواهد شد. پس برای تحقق بخشیدن این رضایت لازم است که قیمت گذاری و تسعیر اختیاری باشد و اجباری از سوی حاکم تحمیل نگردد. (حلی، ۱۴۱۲: ۱۵/۳۴۰) چراکه نرخ گذاری از سوی حاکم نوعی تصرف در اموال غیر است. همچنین با تمسک به حدیث مشهور سلطنت، مالک و فروشنده می تواند هرگونه تصرف و انتفاعی را در مال خود اعمال نماید. پس مطابق این قاعده، یکی از مواردی که به فروشنده اختیار سلطنت می دهد، در خصوص تسعیر و قیمت گذاری می باشد. (سیوری حلی، ۱۴۲۵: ۲/۴۳)

۶-۲- قاعده لاضرر

از دیگر قواعد مشهور در نزد فقها، قاعده لاضرر می باشد که در بسیاری از ابواب فقهی معاملات و عبادات به آن استناد می گردد. (ولایی، ۱۳۸۶: ۴۳) مفاد این قاعده نفی حکم ضرری و نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در دین مقدس اسلام است. (مشکینی، ۱۳۷۱: ۲۰۳/۱) چنانچه در عبادات یا معاملات ضرری را در پی داشته باشد آن موضوع باطل محسوب شده و منتفی می شود. (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۴۳). پشتوانه این قاعده بر اساس ادله اربعه فقهی می باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹/۱) و علاوه بر مستندات شرعی مانند روایت لاضرر و پشتوانه عقلی نیز بر آن متصور است. (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۳۱/۱)

مطابق این قاعده می توان بر عدم جواز تسعیر اجباری و مفهوم مخالف آن یعنی جواز تسعیر اختیاری استدلال نمود. در زمان احتکار و انحصار، چنانچه کالا عرضه گردد و جنس نایاب گردیده در بازار اسلامی نمایان شود، دیگر موضوع احتکار برطرف خواهد شد. و از آنجایی که مقصود از تسعیر حاکم (تسعیر اجباری)، رفع احتکار و استحصال کالا به دست مردم می باشد لذا با نمایان شدن و عرضه کالا، دلیلی برای قیمت گذاری از سوی حاکم باقی نخواهد ماند. افزون بر این که تسعیر اجباری از جانب حاکم می تواند زمینه ساز مفسده های دیگری باشد، زیرا فروشندگان و عرضه کنندگان کالا چنانچه مجبور به پذیرفتن قیمت از سوی حاکم شوند و فروش کالای خود را به قیمت آزاد و مختارانه نفروشند؛ موجب می گردد از عرضه کالا امتناع کرده و این کار نه تنها باعث تحمیل ضرر مضاعف بر مردم خواهد شد بلکه تولید و عرضه را نیز با مشکل مواجه خواهد کرد. بنابراین تعیین قیمت از سوی حاکم علاوه بر متضرر ساختن مصرف کننده می تواند در ناحیه تولید و عرضه نیز ضرر وارد نماید. (موسویان، بهاری، ۱۳۸۹) چنانچه علامه حلی در کتاب منتهی (حلی، ۱۴۱۲: ۱۵/۳۴۱) و فقیه سبزواری در مهذب (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۶/۳۶) به این دیدگاه قائل می باشند. اگرچه برخی از فقها در اثبات جواز تسعیر برای حاکم از این قاعده بهره جستند و اذعان دارند که با قیمت گذاری حاکم در زمان احتکار و انحصار موجب می گردد بر مردم ضرری متحمل نشود و به اجبار اجناس را گران خرید نمایند. (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۹۹/۳) اما مرحوم شیخ انصاری استدلال می کند که بین عدم تسعیر حاکم و تسعیر اجباری از سوی حاکم را می توان جمع نمود. پس با جمع بین نهی (منع نرخ گذاری از سوی حاکم) و تسعیر (جواز نرخ گذاری از سوی حاکم) می توان به نتیجه رسید که بر محتکر امر به پایین آوردن قیمت شود بدون آنکه از سوی حاکم قیمتی تعیین گردد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۴/۳۷۴) زیرا از یک طرف حاکم از تسعیر منع شده است و از طرفی دیگر اگر قیمت اجناس عرضه شده توسط محتکر به شدت گران باشد و مردم قدرت خرید آن را ندارند و باعث ضرر بر مردم می گردد پس لازم نیست برای دفع این ضرر اختیار به حاکم داده شود تا قیمت گذاری کند و دفع این ضرر منحصر در تسعیر از سوی حاکم باشد بلکه می توان جمع نمود و با مجبور ساختن محتکر به قیمت عادلانه این ضرر را برطرف کرد و نقض غرضی هم پیش نخواهد آمد. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۶/۳۴-۳۵)

۷- فواید تسعیر اختیاری

اساساً هر نظام اقتصادی در هر مکتبی بر بینشها و مفاهیمی استوار است که از طرز تلقی و برداشت آن مکتب نسبت به جهان آفرینش و انسان سرچشمه می گیرد. بر این اساس، نظام اقتصادی که جزئی از کل نظام اجتماعی یک مکتب است نسبت به نظامهای دیگر تفاوت اصولی و زیربنایی خواهد داشت (اسحاقی، ۱۳۸۳). در مقابل دو نگرش و دیدگاه عمده اقتصادی در اقتصاد، اقتصاد اسلامی قرار دارد که بر پایه عدالت و اخلاق استوار است و علاوه بر پذیرش مالکیت عمومی و خصوصی، عدالت، مساوات و اخلاق را محور فعالیت خویش قرار داده است که در صورت اجرای کامل آن سعادت مادی و معنوی افراد و جوامع تأمین شده و

پیشرفت مادی و معنوی آنان تضمین خواهد شد و ما بر این باوریم که اقتصاد اسلامی جایگزین مناسبی برای این نظام‌های اقتصادی است و می‌تواند الگوی فعالیت کشورها قرار بگیرد (سبحانی، ۱۳۷۳).

اسلام به عنوان شیوه‌ای جامع و فراگیر برای زندگی، تمامی اعمال انسانی از جمله فعالیت های اقتصادی وی را در برمی‌گیرد. همچنین آزادی فرد مسلمان، همیشه مقید به مسوولیت های اجتماعی و دینی وی است. مسلمانان آزاد هستند، ولی در عین حال، در قبال کردارشان، در برابر خداوند و دیگر مسلمانان، مسوولند. از این رو در اسلام، آزادی و مسوولیت، دوروی یک سکه هستند. مسوولیت‌های دینی و اجتماعی، محدودیت‌هایی هستند که بر رفتار مسلمانان و از جمله رفتار اقتصادی شان، اعمال می‌شوند. (صدر، ۱۴۱۷: ۳۸) به هر حال، اصل بر آزادی اقتصادی است؛ آزادی تولید در چارچوبی از قوانین و ارزش‌ها، آن هم تولید کالاها یا خدماتی که برای جامعه سودمند است؛ نه مانند کالاها یا خدماتی که زیانباری همچون مواد مخدر یا امثال آن، همچنین آزادی مبادله کالاها و آزادی در نرخ گذاری کالا بر اساس توافق طرفین در شرایطی که بیماری اقتصادی مانند احتکار و انحصار بر بازار اسلامی حاکم نباشد. (مصباحی، ۱۳۸۵: ۸۶-۸۷) با پذیرفتن در استحقاق داشتن بازرگانان و فروشندگان در قیمت‌گذاری کالا و پذیرش جایگاه تسعیر اختیاری، برای آنان مسوولیت های مدنی و دینی را در پی خواهد داشت که برخی از آن مسوولیت ها مرتبط به موضوع آداب تجارت و برخی دیگر مرتبط با حقوق مصرف کنندگان و احکام خرید و فروش خواهد بود. اما جدای از مسوولیت های متقابل فروشندگان و خریداران کالا، با تایید و قبول تسعیر اختیاری، آثار مثبت و کارآمدی بر اقتصاد اسلامی مترتب خواهد شد که دو فایده اثر گذار آن را می‌توان به رقابت پذیری و تقویت اقتصاد غیر متمرکز اشاره کرد. اینک به شرح این دو فایده خواهیم پرداخت:

۷-۱- رقابت پذیری سالم

از فواید اثر گذار تسعیر اختیاری در بازار اسلامی، رقابت پذیری سالم می‌باشد. به قابلیت ها و توانمندی های که یک بنگاه، صنعت، منطقه و کشور که بتواند در عرصه ملی و بین المللی ضمن حفظ این توانمندی ها، توانایی افزایش سهم بازار و سوددهی بالا را برای یک دوره طولانی داشته باشد را رقابت پذیری می‌گویند. (عسکری، ۱۳۸۸: ۲۲) رقابت، یعنی گروهی برای دستیابی به امکانات اقتصادی با یکدیگر مبارزه کنند و هر کدام در پیشی گرفتن بر دیگران بکوشد. روشن است که زیربنای رقابت به این معنا، اصالت دادن به تعقیب منافع شخصی به وسیله هر فرد است که شعار اصلی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بود؛ بنابراین مبنای رقابت در نظام سرمایه‌داری هم چشمی برای دستیابی بیش تر برای رسیدن به مواهب اقتصادی در مقایسه با دیگران است. (رنانی، ۱۳۸۴: ۸۲) اگر رقابت آزاد به معنای کوشش برای پیروزی بر رقیب برای رسیدن به امتیاز های اقتصادی محدود و جدال برای بقا در بازار بدون هیچ گونه احساس مسوولیت درباره رقیب، با اصول و آموزه های اسلامی سازگار نیست. (میرمعزی، ۱۳۸۷: ۱۰) بایستگی مشارکت تجار در اقتصاد پویا در گرو اقتصاد رقابتی خواهد بود. برای رشد مطلوب و توسعه پایدار در اقتصاد اسلامی به ویژه در بازار و معاملات، لازم است این فرآیند تحقق یابد. اقتصاد رقابتی، معنای کلی دارد، از این جهت که در آن نوعی رغبت برای کوشش مجدانه، و انگیزه بیشتر برای تحرک بیشتر افراد برای بروز و ظهور خلاقیتها و همچنین از این جهت که در آن نوعی ساز و کارهای دورنی وجود دارد که افراد بیشتر در مقابل رفتارهای خود احساس مسوولیت می‌کنند؛ می‌تواند نقش مثبت داشته باشد. (سیفی و امام، ۱۳۹۷: ۱۱۳) لذا تسعیر اختیاری می‌تواند این نوع رقابت در اقتصاد و بازار را فراهم سازد.

در واقع رقابت پذیری موجب افزایش تولید، افزایش بهره‌وری و کاهش قیمت ها می‌شود؛ در صورتی که در حالت انحصار، انگیزه ای برای نوآوری و کاهش قیمت ها وجود ندارد. این امر زمانی محقق می‌گردد که جایگاه تسعیر بدست فروشندگان باشد و چنانچه تسعیر از سوی حاکم و دولت را ترجیح دهیم دیگر نمی‌توان انتظار رقابت و کسب و کار پویا داشته باشیم. البته برای شکل پذیری رقابت سالم می‌بایست به احکام اخلاقی و حقوقی آن نگریست. احکام اخلاقی مانند انصاف با مردم، رفق و مدارا با مردم و احسان می‌باشد و احکام حقوقی آن در قلمروی نظارتی حاکمیت و ضمانت اجرا در برخورد و مجازات با متخلفان خواهد بود؛ مانند: تحقق اجرای عدالت اجتماعی، آزادی اختیار در قراردادهای آگاهی نسبت به مورد معامله، صداقت و راستگویی در معامله، و وجوب به وفای عهد، قاعده نفی ضرر، قاعده اتلاف، حرمت احتکار و ربا و کم فروشی، وجوب رعایت مصالح نظام از جمله مواردی است که حاکمیت باید بر آن نظارت کند. (میرمعزی، ۱۳۸۷)

از جمله قواعد فقهی برای حمایت از اقتصاد رقابتی، قاعده ی آزادی و عدم اکراه است. بدین صورت که چنانچه شخص تمایل به انجام معامله ای نداشته باشد اما به واسطه اکراه مجبور به انجام معامله شود حکم به عدم صحت معامله داده اند. یعنی هرگاه تهدید جدی وجود داشته باشد و شخص احساس کند در صورت عدم معامله ضرری به او وارد می‌شود، اکراه تحقق می‌یابد. با عنصر اکراه و تحقق آن، اصل آزادی در تصمیم گیری و رضا به آن از بین می‌رود. در فقه به چنین معامله هایی که به علت وجود اکراه پدید آید را نوعی اکل مال به باطل می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۳۷۷/۲) از دیگر قواعد برای حمایت از اقتصاد رقابتی، قاعده ی اعانت بر اساس آیه ی تعاون (مائده: ۲) می‌باشد. بر مبنای این قاعده، جایگاه بازار اسلامی بر مدار همکاری و تعاون برای کمک به یکدیگر و سالم سازی و دوری از سوءاستفاده موقعیت های بحرانی است. همکاری در جهت تشکیل کارتل و تراست به

منظور افزایش قیمت و انحصار آن از موارد همکاری بر گناه و دشمنی است که موجب تبانی فروشندگان در افزایش قیمت کالای نایاب می باشد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۸۲)

به طور کلی میتوان گفت که رقابت آزاد بدون قرار گرفتن در چارچوبهای قانونی و اخلاقی، در نهایت منجر به در اختیار قرار گرفتن منابع جامعه در دست عده ای محدود شده و منافع جامعه فدای منافع فردی میشود. فعالیت اقتصادی با انگیزه کسب سود بیشتر بدون توجه به احکام گفته شده، باعث میشود که بازار ناخودآگاه به سمت بی عدالتی سوق پیدا کند، چرا که در چنین محیطی انگیزه سود بیشتر، رفتارهایی ناعادلانه هم چون تبلیغات دروغ، تبانیهای ظالمانه، استفاده از رانتهای اطلاعاتی و دیگر رفتارهای ناسالم رقابتی را توجیه میکند و نتیجه آن میشود که با تسلط عدهای محدود بر منابع بازار، قیمتها به صورت یک طرفه و به نفع افراد سرمایه دار و به زیان افراد کم درآمد و فقیر عمل کند و در نهایت ماهیت بازار رقابتی را که قرار بود در جهت تخصیص بهینه منابع عمل کرده و با بالا بردن بهره‌وری و کاهش قیمت‌ها، رفاه را به ارمغان آورد، از بین ببرد. در نتیجه میتوان گفت که رقابت مورد نظر اسلام، رقابتی است که با عبور از فیلترهای حقوقی و اخلاقی جامعه، در راستای تخصیص بهینه منابع، طوری که عدالت بین فعالین اقتصادی برقرار شود، و هم چنین افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع، طوری که در استفاده از منابع اتلافی صورت نگیرد و در نهایت کاهش قیمت‌ها و افزایش رفاه جامعه، عمل کند. (باقری و رشوند بوکانی، ۱۳۸۷)

۷-۲- تقویت اقتصاد غیر متمرکز

از دیگر فواید تسعیر اختیاری، تقویت اقتصاد غیر متمرکز می باشد. بازار آزاد نظامی است غیرمتمرکز که تحت آن فرآیندهای اقتصادی تخصیص منابع، تولید و مصرف کالاها و خدمات و توزیع درآمد و ثروت، تحت مکانیسم قیمت‌ها به عنوان تنظیم‌کننده سازوکار بازار، توسط تصمیمات آزادانه تمامی عوامل و فعالان اقتصادی اعم از تولیدکننده و مصرف‌کننده، تحت یک چارچوب نهادی - ساختاری که توسط دولت تعیین و هدایت می‌گردد و به واسطه آن شرایط عدالت و آزادی برقرار و تضمین می‌شود، صورت می‌پذیرد. (رنانی، ۱۳۸۴: ۱۰۶)

اقتصاد غیرمتمرکز بر اصل آزادی افراد در فعالیتهای اقتصادی و محدود ساختن مداخله دولت در امور اقتصادی استوار است. (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۳) در این نظام اقتصادی مالکیت خصوصی منابع طبیعی و کالاهای سرمایه ای پذیرفته شده و برای هر فرد آزادی اقتصادی وجود دارد. نظامی که در آن تمامی تصمیمات اقتصادی توسط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شود و از تعامل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد تعیین می‌شود. در سیستم اقتصاد اسلامی، مردم در فعالیتهای اقتصادی‌شان آزادند. انواع حرفه‌ها، صنایع و کارهایی را که می‌خواهند برگزینند و خودشان مسئول نتایج تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی‌شان هستند. عوامل تولیدی را که مالک‌اند یا کالاهایی را که می‌خواهند مبادله کنند، در بازار، خرید و فروش می‌کنند. کسی که فقط مالک عمل خود است، برای فروش خدمات خود به بازار می‌رود و با آنچه به دست می‌آورد، کالاها و خدماتی را که نیاز دارد، می‌خرد و کسی که دارایی‌ها و کالاهای تولیدی یا مصرفی یا ابزار تولید را مالک است، با آنچه مالک است، وارد بازار می‌شود و هیچ صاحب حقی از حق خود محروم نمی‌شود و واجب نیست ثروتمند با فقیر در مال برابر باشند. در عین حال، به ثروتمند اجازه داده نمی‌شود حتی از طریق ضوابط معلوم، قدرت انحصاری اعمال کند. نباید حاضر به غایب چیزی بفروشد، به استقبال کاروان‌های تجاری نرود، قوی نزد شما، پیش من ضعیف است تا وقتی که حق را از او بگیرم. این آزادی در تولید، توسعه و خیر و احسان است؛ ولی در فساد یا اتلاف یا سوءاستفاده از نیروی مادی و سیاسی برای ایجاد منافع از حقوق دیگران آزادی نیست. (قحف، ۱۳۹۶).

چارچوب نهادی - ساختاری یا به عبارتی قواعد و ساختار بازی، حلقه اتصال چارچوب ایدئولوژیک اسلام به نظام بازار است. اگر این چارچوب که پشتیبان، هدایت‌کننده و ناظر بر نظام بازار است، توسط یک دولت اسلامی تعیین و تنظیم گردد و مورد تایید شریعت اسلام باشد، آنگاه می‌توان گفت که بازار، یک بازار اسلامی است. همان طور که تشریح شد، مورد تایید بودن چارچوب نهادی - ساختاری توسط شریعت اسلام به این معنا است که قواعد و قوانینی که این چارچوب را تشکیل می‌دهند، یا باید از فقه اسلامی و منابع اصلی آن؛ یعنی وحی، سنت و اجماع، استخراج شده باشند یا اگر توسط هر مرجع و روش دیگری مانند پارلمان حاصل شده باشند، نباید در مخالفت و تضاد با شریعت اسلام قرار گیرند.

وجه اشتراک بازار آزاد و بازار آزاد اسلامی در مکانیسم قیمت‌ها نهفته است. مکانیسم قیمت بار ایدئولوژیک ندارد و می‌تواند تحت هر چارچوب نهادی متفاوت عملیاتی گردد و وظیفه خود را در تنظیم بهینه فعالیت‌هایی اقتصادی به انجام برساند. در هر دو سنخ بازار مورد بحث، مکانیسم قیمت‌ها، تنظیم‌کننده فرآیندهای اقتصادی اعم از تخصیص منابع، تولید و مصرف، البته تحت چارچوب نهادی متفاوت می‌باشد. قیمت‌ها، کمبودها و مازادها را در بازارهای مختلف کالا، خدمات و دارایی و نیز فرصت‌های کسب سود و منفعت اقتصادی را آشکار نموده و به رقابت فعالان بازار شکل می‌بخشد و کارایی اقتصادی را تامین می‌نماید و تفاوتی نمی‌کند که مکانیسم قیمت تحت چه چارچوب نهادی - ساختاری عمل می‌نماید.

مکانیسم قیمت در یک اقتصاد اسلامی تا آن حد اهمیت دارد که حتی در شرایطی که حاکم شرع اسلام برای جلوگیری از احتکار [به عنوان یک موقعیت شبه انحصاری که تحت آن عدالت و آزادی در بازار مخدوش می‌گردد]، به شدت بر این نکته اصرار دارد که نباید حاکم به قیمت‌گذاری برای محترک بپردازد و صرفاً باید محترک را به فروش کالا وادارد.

سیستم اقتصادی بازار آزاد اسلامی در یک جامعه اسلامی، سیستمی قدرتمند برای تولید ثروت، رفع فقر و گسترش رفاه جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. این نظام دارای نظام انگیزشی قوی برای تنظیم فعالیت اقتصادی عوامل انسانی است که در جایگاه فعال اقتصاد به دنبال کسب بیشترین منفعت ممکن در فعالیت‌های اقتصادی خویش می‌باشند؛ در واقع رقابت پویا، سازنده و جدی فعالان اقتصادی در کسب سود و منفعت در چارچوب مکانیسم قیمت‌ها در نظام بازار آزاد اسلامی، رمز قدرت این نظام در خلق و تولید ثروت جامعه، رفع فقر و گسترش رفاه آن است و در نهایت اینکه نظام بازار آزاد اسلامی دارای چنان قدرتی است که فعالان اقتصادی که در پی تامین منافع اقتصادی خویش می‌باشند، تحت‌نظم بازار در مسیری قرار می‌گیرند که فعالیت‌شان عموماً تامين‌کننده نفع جامعه اسلامی نیز می‌باشد. (زمان زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶/۱)

آزادی بازار ناظر بر این امر است که دولت باید نقش خود را به بهینه‌ترین نحو در تدوین و تنظیم قواعد و ساختار حاکم بر بازار ایفا نموده، به نحوی که شرایط عدالت و آزادی برقرار گردد و آنگاه اجازه دهد فرآیندهای اقتصادی بازار تحت مکانیسم قیمت‌ها به عنوان تنظیم‌کننده سازوکار بازار، توسط تصمیمات آزادانه تمامی عوامل و فعالان اقتصادی، تحت چنین چارچوب نهادی - ساختاری و بدون دخالت مستقیم دولت در ساز و کار بازار انجام پذیرد، تا کارایی تحت نظام بازار حاصل گردد.

با توجه به آیات و سیستم اقتصادی اسلامی براساس تسعیر اختیاری می‌توان گفت یکی از تأثیرات مهم و تأثیرگذار این سیستم پیدا سازی اقتصاد غیرمتمرکز است که در آن مردم و بازار بیشتر بر نرخ گذاری و تنظیم بازار تأثیر می‌گذارند. در این سیستم بازار به عنوان محرک دیده می‌شود و دولت تنها نقش نظارتی دارد. در این سیستم دولت‌ها وظیفه دارند تا از هر گونه سو استفاده جلوگیری کنند. در سیستم اقتصادی اسلامی در کنار سود دنیوی اسلام به دنبال سود معنوی است و تلاش دارد تا با استفاده از پرهیزکاری و دوری از روزی حرام هم سعادت آخرت و هم سعادت دنیوی را برای خود مهیا کنند.

نتیجه گیری

در شرایط خاص مانند تحقق گران فروشی یا احتکار کالا که باعث ضرر و عسر و حرج در معیشت مردم و ورود ظلم و اجحاف به آنها می‌گردد، برخی با استناد به قاعده لاضرر و لاجرح، قائل به جواز تسعیر گردیده‌اند. در این موارد کالاهایی را می‌توان تسعیر نمود که مورد نیاز جامعه باشد و کمبود یا گرانی آنها موجب ضرر و سختی در زندگی مردم گردد. با این حال در شرایط عادی و بر اساس مفاد قاعده سلطنت هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. همچنین بر مبنای مفهوم تراضی در آیه تجارت و حدیث «لا یحل مال امرئ مسلم إلا بطیبه من نفسه» دست می‌یابیم برای تحقق امر رضایت بخشی در معامله، قیمت گذاری و تسعیر به صورت اختیاری باشد و اجباری از سوی حاکم تحمیل نگردد. همچنین براساس مفاد قاعده لاضرر در می‌یابیم که در شرایط عادی (علاوه بر شرایط خاص در شرایط عادی نیز می‌توان به این قاعده استناد کرد)، تسعیر اجباری از جانب حاکم می‌تواند زمینه ساز مفسده های دیگری باشد، زیرا فروشندگان و عرضه کنندگان کالا چنانچه مجبور به پذیرفتن قیمت از سوی حاکم شوند و فروش کالای خود را به قیمت آزاد و مختارانه نفروشند؛ موجب می‌گردد از عرضه کالا امتناع ورزند که این کار نه تنها باعث تحمیل ضرر مضاعف بر مردم خواهد شد بلکه تولید و عرضه را نیز با مشکل مواجه خواهد کرد. لذا بنابراین دیدگاه تسعیر اختیاری، اصل اولی برای تصمیم‌گیری جهت فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در حوزه قیمت گذاری به مردم سپرده شده و نقش حاکمیت را به عنوان تصمیم‌گیرنده تحدید نموده است. که این مسئله باعث شکل‌گیری رقابت پذیری و تقویت اقتصاد غیرمتمرکز است. در سیستم اقتصادی مردم به عنوان صاحبان کالا به عنوان تنظیم‌کننده بازار در نظر گرفته شده‌اند و در این سیستم از سیستم اقتصادی متمرکز که در آن دولت بر همه امور از جمله قیمت گذاری دخالت دارد، دوری جسته است و تلاش دارد دولت را به عنوان ناظری معرفی کند و نقش آن را در فعالیت‌های اقتصادی کاهش دهد.

رقابت سالم مورد نظر اسلام، رقابتی است که با عبور از فیلترهای حقوقی و اخلاقی جامعه، در راستای تخصیص بهینه منابع، طوری که عدالت بین فعالین اقتصادی برقرار شود، و هم چنین افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع، طوری که در استفاده از منابع اتلافی صورت نگیرد و در نهایت کاهش قیمت‌ها و افزایش رفاه جامعه را در بر داشته باشد. بنابراین رقابت پذیری موجب افزایش تولید، افزایش بهره‌وری و کاهش قیمت‌ها می‌شود؛ در صورتی که در حالت انحصار، انگیزه ای برای نوآوری و کاهش قیمت‌ها وجود ندارد. این امر زمانی محقق می‌گردد که جایگاه تسعیر بدست فروشندگان باشد و چنانچه تسعیر از سوی حاکم و دولت را ترجیح دهیم دیگر نمی‌توان انتظار رقابت و کسب و کار پویا داشته باشیم.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸)، التوحید (للمصدق)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول
 - ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم
 - ابن ادریس، محمد بن منصور حلی (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم
 - ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، نشر دارالصادر، چاپ سوم
 - ابن حمزه، محمد بن علی طوسی (۱۴۰۸)، الوسیلة الی نیل الفضیلة، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول
 - ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم، نشر مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم
 - ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
 - ابروش، رضا؛ جابری، علی (۱۳۹۵)، راهبردهای کنترل بازار در سیره مدیریتی امام علی (ع)، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۷۹
 - اربابی، علی محمد (۱۳۶۹)، از تولید تا مصرف (مارکتینگ)، تهران، نشر فروردین، چاپ اول
 - اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
 - ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
 - اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۳)، اقتصاد اسلامی و گستره آزادی در آن، مجله رواق اندیشه شماره ۳۲
 - انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، کتاب مکاسب، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول
 - باقری، محمود؛ رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۸۷)، حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه، فصلنامه پژوهش نامه حقوق اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، دوره نهم، شماره ۲۸
 - بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵)، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول
 - تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶)، إرشاد الطالب الی التعلیق علی مکاسب، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم
 - جلالی زاده، جلال (۱۳۸۷)، مبادی و اصطلاحات علم فقه، تهران، نشر احسان، چاپ اول
 - جمعی از نویسندگان (۱۴۱۵)، شرح المصطلحات الکلامیة، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول
 - جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول
 - حائری طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام، قم، نشر مؤسسه آل البیت، چاپ اول
 - حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ اول
 - حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم
 - حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰)، تحریر الأحکام الشریعیة علی المذهب الأمامیة، قم، نشر مؤسسه الامام الصادق (ع)، چاپ دوم
 - حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، نشر مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول
 - حماد، نزیه (۲۰۰۸)، معجم المصطلحات المالیة و الإقتصادية فی لغة الفقهاء، دمشق - سوریه، نشر دارالقلم، چاپ اول
 - حمزه ای، محمد (۱۳۹۲)، آداب خرید و فروش در آموزه های دینی، hawzah.net، بازیابی شده در مهر ۱۳۹۸
 - خمینی، روح الله (۱۴۲۱)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، چاپ اول
 - خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴)، توضیح المسائل (محشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم.
 - خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳)، محاضرات فی اصول الفقه، قم، نشر دارالهادی للطبوعات، چاپ چهارم
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا (زیر نظر معین و شهیدی)، تهران، نشر روزنه، چاپ اول
 - رضایی، حمید (۱۳۸۴)، آثار برخی از قواعد فقهی بر بازار کار، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول
 - رنانی، محسن (۱۳۸۴)، بازار یا نابازار، تهران، نشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ دوم
 - زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)، مقدمه الادب، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول
 - زمان زاده، حمید (۱۳۹۲)، توزیع درآمد در نظام بازار، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۲۳۸۴
 - زمان زاده، حمید؛ حسینی، صادق (۱۳۹۱)، اقتصاد ایران در تنگنای توسعه، تهران، نشر مرکز، چاپ اول
 - ژید، شارل؛ ریست، شال (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سجابی، تهران، نشر و چاپ دانشگاه تهران
 - سبحانی، حسن (۱۳۷۳)، نظام اقتصادی اسلام، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول
 - سبزواری، محمد باقر بن محمد (۱۴۲۳)، کفایة الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ اول
 - سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، نشر مؤسسه المنار، چاپ چهارم
 - سعدی، ابوحیب (۱۴۰۸)، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق، نشر دارالفکر، چاپ دوم.
 - سیفی، الهام، امام، سید محمدرضا (۱۳۹۷)، بررسی نظام اقتصاد رقابتی در حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره هشتم، شماره ۲۹
 - سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵)، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، انتشارات مرتضوی، چاپ اول
 - شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵)، رسائل الشریف المرتضی، قم، نشر دار القرآن الکریم، چاپ اول
 - شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، محقق: صالح، صبحی، قم، نشر هجرت، چاپ اول
 - شهبازی، محمود (۱۳۷۵)، ادوار فقه، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم
 - صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۲)، الأحکام الشریعیة ثابتة لا تتغیر، قم، نشر دارالقرآن الکریم، چاپ اول
 - صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷)، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، چاپ اول
 - طیبیان، محمد (۱۳۸۸)، اقتصاد خرد پیشرفته، تهران، انتشارات پیشبرد، چاپ اول
 - طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، نشر دارالکتب العربی، چاپ دوم

- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، نشر المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول
- عاملی حسینی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ اول
- عبدالناصر، جمال (۱۴۱۰)، موسوعه الفقه الاسلامی، قاهره، نشر وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية
- عبدالرحمان، محمود (بی تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، [بی جا]، [بی نا]
- عسکری، منصور (۱۳۸۸)، رتبه بندی قدرت رقابت پذیری صنایع کوچک و متوسط در ایران، نشریه بررسی های بازرگانی، دوره ۷، شماره ۳۸
- فاضل لنگرانی، محمد (۱۴۱۶)، القواعد الفقهية، قم، نشر چاپخانه مهر، چاپ اول
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العين، قم، نشر هجرت، چاپ دوم
- فرهنگ، منوچهر (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، انتشارات آزاده، چاپ اول
- فیاض کابلی، محمد اسحاق (۱۴۲۶)، الةمؤذج فی منهج الحكومة الإسلامية، قم، نشر دفتر حضرت آیت الله فیاض، چاپ اول
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵)، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول
- قربانی، فاطمه؛ بهروزی لک، غلامرضا؛ جمشیدی راد، محمدصادق (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمانی چالش های جهانی شدن بر هویت نسل سوم انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۱۵
- قحف، منذر (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، مترجم: سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی سال پنجم ۱۳۸۴ شماره ۱۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، نشر دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم
- کوچک زاده، میثم (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری، مجله اقتصاد تطبیقی، سال سوم، ۱۳۹۵، شماره ۱
- مفید، محمد بن محمد بغدادی (۱۴۱۳)، المقنعة، قم، نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مفید، محمد بن محمد بغدادی (۱۴۱۳)، المسائل الصاغانیة، قم، نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم
- مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی جا، بی نا، بی تا
- مشکینی، میرزا علی (۱۳۷۱)، اصطلاحات الاصول، قم، نشر الهادی، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱)، القواعد الفقهية، قم، نشر مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ سوم
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم
- مصباحی، غلامرضا (۱۳۸۵)، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱)، مائة قاعدة فقهية، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم
- مجلیدی، احمد بن سعید (۱۹۷۰)، التیسیر فی احکام التسعیر، الجزایر، نشر موسی اقبال، چاپ اول
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، نشر صدرا، چاپ هفتم
- موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱)، قواعد فقهية، تهران، نشر مؤسسه عروج، چاپ سوم
- موسویان، سیدعباس؛ بهاری قراملکی، حسن (۱۳۸۹)، ضوابط قیمت گذاری از منظر فقه امامیه، معرفت اقتصادی، سال اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹
- میرزای قمی، ابو القاسم بن محمد (۱۴۲۷)، رسائل المیرزا القمی، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، چاپ اول
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۷)، رقابت و تعاون در نگرش اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹
- ولایی، عیسی (۱۳۸۶)، قواعد فقهی، قم، نشر دارالفکر، چاپ اول